

دانشگاه امام صادق (ع)  
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد  
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

مبانی خرد اقتصاد کلان

نویسنده: محمد هادی زاهدی وفا

استاد راهنما: اکبر کمیجانی

استاد مشاور: مسعود درخشان، منصور خلیلی عراقی

سال تحصیلی: مرداد ۱۳۶۹

توصیفگر: ۱۹۵ ص. : نمودار ، شماره بازیابی ۱۳ الف.

واژگان کلیدی: اقتصاد کلان / تجزیه و تحلیل اقتصادی / تعادل عمومی / اقتصاد خرد / کینز ، جان

مینارد / اقتصاد کلاسیک / اقتصاد نئوکلاسیک / والر اس ، ال / اندیشه های اقتصادی / تاریخ

چکیده:

هدف از تحقیق حاضر ، بررسی مبانی خرد اقتصاد کلان و شناسایی دیدگاههای اقتصاد دانان خرد وکلان در این زمینه است. در مقدمه تحقیق راهبردهای اقتصاد خرد و کلان بررسی شده است . در فصل دوم شناخت تعادل عمومی مطرح شده که دیدگاه کلاسیک و نئو کلاسیک بیان می شود . فصل سوم اختصاص به توسعه تحلیلهای نئووالراسی از دهه ۳۰ به بعد دارد . در فصل چهارم به برداشتهای خاصی از انقلاب کینز آنگونه که در کتاب " تئوری عمومی " آورده شده ، پرداخته می شود. در فصل پنجم اقتصاد کلان در قالب الگوی تعادل عمومی ارائه شده در فصل سوم طرح شده است. فصل ششم

بینش نئووالراسی را در تئوریهای معاصر نشان میدهد. و بالاخره فصل هفتم و هشتم شاخه دیگر انقلاب متدلوزیک را در اتکاء بر تئوری عدم تعادل نشان می دهند.

"مبانی خرد اقتصاد کلان" تلاشی است نوین برای همگرایی تئوریهای اقتصادی و در این همگرایی هر شاخه علمی که دارای انسجام تئوریک بیشتر باشد، قوانین خود را بر دیگری تحمیل خواهد کرد. تا کنون اقتصاد خرد با یک سابقه بس طولانی تر به انسجام منطقی خود را وامدار کاربردهای ریاضیات می باشد. مبانی خرد اقتصاد کلان عبارتست از ساخت تئوریهای جدید خرد در چهارچوب تحلیلی آن، برای تفسیر پدیده ای کلان، اقتصاددانان خرد درصدد هستند که لباس تعادل عمومی را بر قامت پدیده های کلان بیوشانند و روش تئوری سازی را خارج از تعادل عمومی قابل قبول نمی دانند. در حالیکه اقتصاددانان کلان، اگر چه از روش تعادل عمومی سود می جویند، اما ارتباط درونی بازارها در یک سطح کلان را مد نظر دارند.

تعادل عمومی، همانا نقطه تمرکز اندیشه های کلاسیک و نئو کلاسیک برای یک سیستم اقتصادی غیر متمرکز می باشد. تعادل عمومی در گذر تاریخی از روش کلاسیک آغاز شده و به روش نئوکلاسیک انجامیده است که آغازگرایی بینش در قالب ریاضی همانا لئون والراس می باشد. وجود، یکتایی و ثبات سه موضوع اساسی تعادل عمومی در روش نئوکلاسیک است. تعادل عمومی پیشرفت اخیر خویش را مرهون گوستاو کاسل می باشد. وی با بازنگری سیستم والراس در جستجوی راه حلی برای آن می باشد. مبحث مربوط به انقلاب کینز، ضمن تبیین نظرات کینز، نشان می دهد که چگونه وی بستر لازم را برای رشد مکتب نئووالراسی فراهم آورده است.

تعادل عمومی موقتی، توسط هیکس، گرین و گراندمنت مطالعه گشته است که رفتار عوامل بر اساس قیمت کنونی و انتظارات آینده تبیین می شود. انقلاب نئووالراسی به یک چهارچوب عمومی برای شمول کلیه تئوریهای اقتصادی می اندیشد که نه تنها مسائل نئوکلاسیک سنتی، تخصیص منابع

و هماهنگی عمومی فعالیتها را از طریق مکانیزم قیمت والراس ، بلکه مسأله سطح درآمد اشتغال کل اقتصاد را ادعای شمولیت دارد.